

دائرة المعارف اسلام و مفاهيم اساسی قرآن

محمد مجتهد شبستری

مفاهيم و موضوعاتی که قرآن مجید مطرح نموده است در پیدایش علوم معنوی مسلمین، مانند عرفان، کلام، فلسفه، اخلاق و تفسیر عمده ترین نقش ها را داشته است. بیش از هر عامل دیگر مسلمین بدان جهت بدین علوم پرداختند که قرآن در زمینه های علوم یاد شده یک سلسله «مفاهيم» را مطرح کرده بود. مفاهيمی از قبیل یقین، عین الیقین، حق الیقین، علم، نور، هدایت، ولایت، حق، باطل، خلق، ظاهر، باطن، اسماء حسنی، رجوع الی الله، رضوان خدا، دنیا، آخرت، قیامت، تکلیف، نبوت، آیات خدا، وحی، تعقل، تفکر، سنّة الله، استدراج، اضلال، ملک، شیطان، ایمان، کفر، عمل صالح، صبر، توکل، خوف، رجاء، شکر، خیر، شر، نفس مطمئنه، نفس لوآمه، نفس اماره، سعادت و شقاوت که در قرآن مجید مطرح شده نه تنها عناصر اصلی نظام فکری اسلام است بلکه عناصر اصلی علوم معنوی مسلمین نیز هست.

کاملاً طبیعی و مورد انتظار بود که مسلمین تمام تلاش خود را برای دریافتن منظور واقعی از این تعبیّرات بکار برند و این تلاش را بکار بردند و بدین ترتیب علوم معنوی مسلمین پا به عرصه وجود نهاد.

حادثه نامطلوبی که در طی پیدایش این علوم معنوی اتفاق افتاد این بود که گرچه انگیزه اصلی مسلمین فهمیدن کامل و همه جانبه همان مفاهيم و موضوعات

مطروح در کتاب وحی بود ولی در بسیاری از موارد، مباحث علمی به گونه‌ای پیش رفت که یا اصل اصطلاح و مفهوم قرآنی بکلی گم شد و یا معانی خاصی بر آن تحمیل شد که بیش از آنکه مربوط به قرآن باشد مربوط به علوم دخیله بود مانند فلسفه یونان، عرفان هند، کلام مسیحیت و....

این اختلاط و التقاط موجب این گردید که یک نظام فکری منسجم درباره خدا، جهان و انسان که همه واحدها و اجزاء ترکیب کننده آن صرفاً قرآنی باشد بصورت یک «علم مستقل» در میان مسلمین رشد کافی نکند. کلام، فلسفه، عرفان و اخلاق، همه درباره خدا و انسان و جهان سخن می‌گفتند ولی هیچ کدام یک نظام فکری صرفاً مستند به قرآن نبودند. واضح است که این اختلاط و التقاط در صدر اسلام وجود نداشت و در آن زمان مفاهیم قرآنی هنوز دست نخورده بود ولی در صدر اسلام هنوز برخورد با فرهنگها و جوامع دیگر هم به وقوع نبیوسته بود و به همین جهت این مفاهیم تفسیر و تبیین کافی پیدا نکرده بودند.

پس از دوران صدر اسلام و پیدایش اختلاط و التقاط و تطوّر در مفاهیم قرآنی، افراد هشیاری چون امام غزالی که به این مسأله کاملاً توجه پیدا کرده بودند کوشش کردند این مفاهیم را از گزندى که وارد شده بود نجات دهند و یک نظام فکری منسجم درباره خدا، جهان و انسان که همه عناصر آن صرفاً مستند به منبع وحی اعم از کتاب و سنت باشد بدست دهند. میدانیم که در مورد غزالی عالیتیرین ثمره این تلاش کتاب احیاء علوم الدین است. اینکه این کتاب تا چه اندازه این مهم را برآورده و درباره پاره‌ای از مفاهیم تا چه اندازه از افراط و تفریط مصون مانده، مسأله دیگری است، در میان مسلمین همواره افراد برجسته‌ای وجود داشته‌اند که از این التقاط مینالیده‌اند و بازگشت به مفاهیم اصیل اسلامی را مورد توجه خود قرار داده بودند. این توجه در صد سال اخیر در میان مسلمین بیشتر گردیده و فحولى از علماء مسلمین در صدد برآمده‌اند که با روشی که آنرا «تفسیر قرآن با قرآن» نامیده‌اند حتی الامکان مفاهیم اساسی قرآن^۱ را با خود قرآن توضیح دهند و مرتکب التقاط نشوند. در اینجا میتوان از دو پیشرو این روش، شیخ محمد عبده در المنار و علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نام برد.

۱. منظور از مفاهیم اساسی، آن دسته از مفاهیم قرآنی است که در تفکر قرآن بصورت عناصر اصلی سازنده این نظام فکری حضور دارد و نمونه‌های آن در آغاز و اثناء این مقاله آورده شده است.

نگارنده چنین فکر میکند که یکی از وظایف اساسی که یک «دائرة المعارف اسلامی» که بوسیله مسلمانین تدوین میشود در عصر ما بر عهده دارد پرداختن کامل به این «مفاهیم و موضوعات قرآنی» و بیان سیر تطور آنها از آغاز نزول وحی تا عصر ماست. در سایه چنین تحقیقی معلوم میشود که کدام معنی را میشود به حساب وحی اسلامی گذاشت و کدام معنی را باید مهمان و اجنبی دانست.

دائرة المعارف اسلام به این منظور تدوین میشود که معارف حوزه اسلام را بیان کند و طبیعی است که مراجعه کننده به این کتاب، قبل از هر چیز میخواهد اطلاعات دقیق و قابل توجهی در زمینه عناصر اصلی تفکر اسلامی بدست آورد و این عناصر اصلی، قبل از هر منبع دیگر به همین مفاهیم اساسی قرآن مربوط میشود. در دائرة المعارف اسلام که بوسیله مستشرقان تدوین شده و در ترجمه عربی آن مطالب قابل توجه و مفیدی اضافه گردیده فقط درباره تعداد کمی از این مفاهیم مطالبی نگاشته شده است مثلاً در حرف الف این دائرة المعارف تعداد مدخلهائی که بتوان آنها را از مفاهیم اساسی قرآن دانست از هشت مدخل تجاوز نمی کند در حالی که نتیجه استقراء ما اینست که تنها آنچه به مفاهیم اساسی حرف الف مربوط میشود حداقل سه برابر این تعداد میباشد. از باب مثال میتوان گفت که در حرف الف مفاهیمی مانند آخره، ابتلاء، اجر، اخلاص، ارتداد، اساطیر الاولین، استدراج، استغفار، اطمینان، اعجاز، افساد فی الارض، امر به معروف، انسان، ایمان و انفاق قطعاً از مفاهیم اساسی قرآن هستند درحالیکه دائرة المعارف اسلام بحسب دربارۀ اینها نکرده است. همچنین اگر مفاهیم و اعلام قرآن را یکجا مورد توجه قرار دهیم تعداد مدخلهای این دائرة المعارف در حرف الف که به هر دو قسمت مربوط میشود از دوازده مدخل تجاوز نمی کند ولی استقراء ما نشان میدهد که مجموع مدخلهای مربوط به دو قسمت از هشتاد مدخل متجاوز است.

این نکته را نیز باید اضافه نمود که مطالب همان تعداد محدود از مفاهیم قرآنی نیز که مورد بحث آن دائرة المعارف قرار گرفته مانند آدم، آیه، ابلیس، اسراء، اسلام و... بطور کامل نگاشته نشده است.

در دو دائرة المعارف اسلام دیگر نیز که به زبان اردو و ترکی نوشته شده و نگارنده مروری بر آنها نموده کم توجهی به مفاهیم اساسی قرآن همچنان وجود دارد. آنچه برای دائرة المعارف اسلام فارسی باید در نظر گرفته شود این نیست که

تنها مفاهیم اساسی قرآن در خود قرآن بررسی شود بلکه اینست که سیر تاریخی مفاهیم قرآنی در طول چهارده قرن به نگارش درآید و این کار دو مرحله اساسی دارد و یک مرحله مقدماتی. دو مرحله اساسی کار اینست که معنای هر مفهوم در خود قرآن و سپس تطوراتی که این مفهوم در میان مسلمین و در علوم مختلف اسلامی در ادوار مختلف پیدا کرده است نشان داده شود و مرحله مقدماتی اینست که در صورتیکه واژه آن مفهوم قبل از اسلام در میان اعراب سابقه و معنای خاصی داشته باشد آورده شود.

چنین تحقیقی درباره مفاهیم اساسی قرآن اگر درست انجام شود هم دایرة المعارف اسلام را بسیار غنی میسازد و همچنانکه گفته شد به متفکران مسلمان این امکان را میدهد که خط سیر صحیح تطور یک مفهوم را تعقیب نمایند و آنچه را که صرفاً قرآنی است از آنچه در وسط راه تاریخ مسلمین به هر مفهوم اضافه شده و آن را دگرگون ساخته تا حدودی از هم باز شناسند.

همچنانکه نتیجه این تحقیقات آن عده از متفکران مسلمان را که کوشش میکنند پس از گذشت چهارده قرن از تاریخ پر ماجرای اسلام و مسلمین «نظام فکری اسلام» را دور از التقاط و اختلاط و صرفاً بر اساس وحی الهی بصورت یک علم مستقل بازسازی کنند بر منظور مهم آنها توانا میسازد.

تصور میکنم از آنچه در فوق آمد روشن شده باشد که این نوع تحقیق فراتر از «تفسیر قرآن» است زیرا در تفسیر تنها سعی بر اینست که معنای یک مفهوم در خود قرآن روشن شود ولی در تحقیقی از این نوع سعی بر اینست که سرنوشت یک مفهوم قرآنی از آغاز نزول قرآن تا امروز روشن شود. کار تحقیق درباره مفاهیم اساسی قرآن شامل چندین مرحله است که ذیلاً توضیح داده میشود.

الف: استخراج همه آن قسمت از واژه‌های قرآن مجید که میتوان آن را بیان کننده یک مفهوم قرآنی — اعم از مفاهیم اساسی و غیر اساسی — دانست از کلیه مظان و موارد مربوط مانند قرآن، کتب مفردات، کتب وجوه و نظائر، تفاسیر، معجم‌ها و کشف مطالب‌ها و...

ب: تعیین آن دسته از مفاهیم که نقش اساسی نسبت به سایر مفاهیم دارند از میان مجموعه مفاهیم استخراج شده.

ج: تعیین وضع هر کدام از مفاهیم، از این نظر که آن مفهوم در طی تطورات خود در

کدام یک از علوم اسلامی مورد بحث قرار گرفته است.

د: تعیین چند منبع اصلی در هر کدام از علوم اسلامی مانند فلسفه، عرفان، کلام، فقه، اخلاق که با این مفاهیم اساسی مربوط میشود به منظور بررسی تطورات مفهوم مورد نظر در آن علوم. واضح است که انتخاب این منابع باید از ادوار تاریخی مختلف هر علم باشد و از هر دوره تاریخی مثلاً دو یا سه منبع انتخاب گردد.

ه: تعیین کتب عمده تفسیر، مفردات، وجوه و نظائر و حدیث و لغت که در نگارش کلیه مفاهیم بدون استثناء به آنها مراجعه خواهد شد. کتب حدیث به این جهت جزء منابع قرار داده شده که ما احادیث معتبر را گرچه نه از خود پیامبر بلکه از ائمه رسیده باشد مبین وحی میدانیم.

و: فیش برداری از منابع ذکر شده در بند «د» و «ه» بصورت استخراج تمام مطالبی که به هر مفهوم مربوط میشود.

ز: مراجعه به مقالاتی که بوسیله محققان مسلمان یا اسلام‌شناسان غیر مسلمان به یکی از زبانهای زنده جهان درباره مفهوم مورد نظر در دائرة المعارفها یا کتب و نشریات به نگارش درآمده است.

ح: نگارش مقاله بر اساس معلوماتی که از فیشها و مقالات محققان بدست میآید.